

## نسبت سنجی مفهوم ناسیونالیسم با گفتمان انقلاب اسلامی

حسن رحیمی (روشن)<sup>۱</sup>  
سیده فاطمه حسینی<sup>۲</sup>

### چکیده

وقوع پدیده انقلاب اسلامی در ایران بر اساس تجارب تاریخی گذشته مانند جنبش‌های مشروطه و ملی شدن نفت، موجب طرح مفاهیم جدید در قالب گفتمان انقلابی در ایران گردید. در این راستا، نسبت سنجی میان مفاهیم این گفتمان انقلابی، که در مقابل گفتمان مدرنیته غربی به‌شمار می‌رود، می‌تواند یکی از مأموریت‌های مطالعات انقلاب تلقی گردد؛ خصوصاً اینکه با توجه به برداشت‌های دوگانه از مفاهیمی مانند ملی‌گرایی در چارچوب ادبیات سیاسی ایران پسا انقلابی نمی‌توان به حکمی قطعی درباره همپوشانی یا تباین میان گفتمان عقیدتی (فرا مرزی) انقلاب اسلامی و گفتمان ناسیونالیستی غربی دست یافت. از این‌رو، طرح پرسش‌های هدفمند با محوریت این نسبت سنجی می‌تواند مفید باشد. پرسش اصلی مقاله آن است که قرائت ویژه و جدید انقلاب اسلامی از مفهوم ملی‌گرایی چه تحولی در فهم این مفهوم با خاستگاه غربی ایجاد کرده است؟ رفتارشناسی ایران پس از انقلاب خصوصاً با لحاظ برخی تحولات سیاسی تأثیرگذار و اسناد بالادستی، نشان‌دهنده توفیق آن در روند تلفیق سازنده میان دو منبع هویت‌ساز ایرانی و اسلامیت در راستای تحقق اهداف انقلابی در یک‌طرف و حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران در طرف دیگر است. روش تحقیق در مقاله براساس هدف و ماهیت آن، کتابخانه‌ای و اسنادی است و می‌کوشد با گردآوری برخی اسناد تاریخی و کتابخانه‌ای، به رمزگشایی از ملی‌گرایی جدید از منظرگاه تفکر و آرمان انقلاب اسلامی اهتمام ورزد.

**کلیدواژه‌ها:** ناسیونالیسم، انقلاب اسلامی، هویت ملی، سرزمین، جنگ، زبان فارسی.

۱- استادیار علوم سیاسی دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول) Email: hr.rahimiroushan@baso.ac.ir

۲- کارشناسی‌ارشد اندیشه سیاسی در اسلام دانشگاه بوعلی سینا Email: f.hos2020@gmail.com

## مقدمه

در تحلیل اولیه، مفاهیم مدرنی مانند «ناسیونالیسم» به علت خاستگاه غربی خود، همانند برخی دیگر از مفاهیم در علم سیاست نظیر قدرت و دولت، چهره‌ای ژانوسی می‌یابد.<sup>۱</sup> یک چهره از دو چهره ناسیونالیسم، در تقابل و تضاد با انقلاب اسلامی و آرمان‌ها و ارزش‌های آن قرار می‌گیرد؛ چرا که با تأکید بر اصالت مرزهای سرزمینی و جغرافیایی، نوعی تقسیم‌بندی و نظم سیاسی غرب را می‌پذیرد. با این وجود، به نظر می‌رسد مخالفت برخی مقامات ارشد نظام جمهوری اسلامی نظیر رهبری انقلاب با روندهای ناسیونالیستی به هیچ‌وجه به معنای تضاد ارزشی آنها با مقوله «میهن» نبوده است. بلکه حفظ چارچوب کشوری به‌عنوان «ام‌القری» جهان اسلام به‌عنوان هدف اصلی مسئولان نظام، مورد توجه قرار می‌گیرد. انقلابیون به هویت واحد ملی اعتراض نداشتند؛ بلکه بدینی آنها به روندهایی بوده که ناسیونالیسم را به‌عنوان ابزاری برای دین‌زدایی از جامعه و در مقابل دین به خدمت می‌گرفتند. چنانکه، بسیاری از مفاهیم تولید شده در اندیشه سیاسی مدرن غرب، با توجه به خاستگاه و بستر تاریخی، اجتماعی و سیاسی خاص خود در بیگانگی با اندیشه سیاسی مشرق زمین و اسلام قرار می‌گیرند. ورود این مفاهیم جدید در ایران هرچند ریشه در عصر ناصری و نیز خصوصاً نهضت مشروطه و پس از آن در دوران تجددگرایی پهلوی اول و دوم داشتند، اما همچنان در تضاد با بافت سنتی جامعه ایرانی قرار می‌گرفتند تا جایی که انقلاب اسلامی را می‌توان واکنشی طبیعی و قهری به مفاهیم نوین غربی در جامعه مذهبی و سنتی ایران با محوریت اسلام و روحانیت تلقی کرد.

بدین ترتیب، نفی ملیت و مرزهای ملی در گفتمان انقلاب اسلامی، عمدتاً به ایدئولوژی انقلابی نهفته در متن و بطن اسلام نهفته است که مرزهای ملی را نفی و طرد می‌کند. بر این اساس، آنها چارچوب تنگ ملیت را بر نمی‌تافتند. ضمن اینکه در درون کشور نیز، انقلابیون هویت ملی واحد به نام هویت ایرانی را برای تبعیت تمامی اقوام و گروه‌های کشور از نظام اسلامی کافی نمی‌دانستند (ولی‌پور، ۱۳۸۳: ۴۴-۴۷). شهید باهنر در این زمینه می‌گوید:

«دین‌داران انقلاب اعتقاد داشتند که شاه و غرب در یک برنامه حساب‌شده سعی داشتند با علم کردن مسئله ملی‌گرایی و کشف اسطوره‌های ملی گذشته، به‌نوعی آن را در برابر فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی قرار دهند و از این طریق کارایی و اثرگذاری انقلابی و ضد استعماری اندیشه اسلامی را به کنار نهند. این سیاست‌ها در نزد ملتی که توانست با محور اسلام، طومار رژیم ستم‌شاهی را در هم بپیچد، جز خاطراتی تلخ از ملی‌گرایی بر جای نگذاشت» (باهنر، ۱۳۷۱: ۳۶۷-۳۶۹).

شهید بهشتی ضمن نقد ملی‌گرایی با طرح یک سؤال چنین می‌گوید:

۱. ژانوس از خدایان یونانیانی که دو چهره متضاد داشت. استعاره از پدیده‌های دارای دو چهره معکوس.

«آیا انسان متعالی به اوج رسیده و پروبال گشوده، برای پرواز به سوی ابدیت هستی، می‌تواند خود را در چارچوب ملیت و هم‌خونی، هم‌زبانی، زندانی کند و وحدت حاکمی را به نام وحدت ملی بپذیرد» (بهشتی، بی‌تا: ۲۴).

در این راستا، بر اساس برخی روایت‌ها از اندیشه امام خمینی(ره)، گفته می‌شود ایشان واقعیت مرزها و هویت ملی را مادامی که برخلاف عقلانیت نباشد و حالت دگماتیک و تعصبات نژادی و قومی به خود نگیرد، می‌پذیرد (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۳۲). در مجموع، به نظر می‌رسد باید ملی‌گرایی را به‌مثابه جعبه سیاهی در نظر بگیریم که به‌منظور فهم مدلول آن باید بازگردیده و سپس از آن رمزگشایی نمود. در این راستا، می‌توان به دو مدلول «ناسیونالیسم منفی» و «ناسیونالیسم مثبت» از دالی واحد پی‌برد که اولی نه‌تنها نسبتی با اندیشه سیاسی انقلابی و اسلامی ندارد بلکه کاملاً در تضاد با آن قرار گرفته است. در عین حال، دومین مدلول یعنی ناسیونالیسم مثبت، که گاه در ادبیات، گفتار اسلامی و انقلابی می‌توان از آن به «وطن / میهن‌دوستی» یادکرد، افق معنایی مشترکی با تفکر انقلاب اسلامی می‌یابد و از قضا با آن هم‌افزایی می‌یابد. در این راستا، پرسش قابل طرح این است که انقلاب اسلامی، چه قرائت جدیدی از ملی‌گرایی ارائه داده که نتوانسته با آن هم‌افق تلقی گردد؟ گمان بر این است که جمهوری اسلامی در نظر و عمل به دنبال یک پی‌ریزی نوین از تلفیق سازنده میان دو منبع هویت‌ساز یعنی ایرانی‌ت و اسلامیت در راستای تحقق اهداف انقلابی و حفظ کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران است. از این رو خوانش جدیدی از ملی‌گرایی ارائه می‌دهد. روش پژوهش مقاله، کتابخانه‌ای - اسنادی است و می‌کوشد با گردآوری اسناد تاریخی، به بررسی نوعی از ملت‌گرایی یا ملی‌گرایی جدید از منظرگاه تفکر و آرمان انقلاب اسلامی اهتمام ورزد. این مقاله بر آن نشان دهد تنفیح معنا و مفهوم ملی‌گرایی در گفتمان انقلاب اسلامی موجب به خدمت گرفتن برخی عناصر مقوم آن خصوصاً با تکیه بر میهن‌دوستی و وطن‌خواهی در راستای اهداف انقلابی و اسلامی گردیده است و نتوانسته است خود را از تضاد ظاهری مفهوم ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی انقلابی برهاند.

### تعریف مفاهیم و اصطلاحات

در سخن گفتن از ملیت و ملی‌گرایی چه به‌صورت سلبی یا به‌صورت ایجابی با مفاهیم و اصطلاحات خاصی مانند هویت ملی، ناسیونالیسم و عناصر تشکیل دهنده آن مواجه هستیم که تعریف و تبیین آن برای ورود به موضوع اصلی مقاله لازم است از این رو در ادامه به تعاریف واژه‌های فوق پرداخته می‌شود.

### هویت ملی

هویت ملی با «هویت مکانی» به‌عنوان بستری که هویت ملی در آن شکل می‌گیرد ارتباط می‌یابد. هویت ملی برجسته‌ترین شناسه‌های مشترک یک ملت و مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های

مثبت به عناصر و الگوهای هویت‌بخش یکپارچه کننده در سطح یک کشور، به‌منزله یک واحد سیاسی است (صنیع اجلال، ۱۳۸۴: ۱۰۴)؛ که حلقه ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۷)؛ چنین هویتی احساس تعهد، پیوندهای عاطفی، احساس میهن‌دوستی و حس فداکاری را برمی‌انگیزد (ربانی، ۱۳۸۸: ۶۹). هویت ملی همان احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد افراد به اجتماع ملی یا «مای» ملی است که به افراد، هویت جمعی می‌بخشد (چلیبی، ۱۳۷۸: ۳۱).

این هویت محصول ساخت نمادهای مکانی در قالب ادبیات جشنواره‌ها و سوگواره‌ها است که یاد و پاسداشت آنها به همبستگی اجتماعی و هم‌گرایی ملی می‌انجامد (کاویانی‌راد و فتاحی، ۱۳۹۱: ۳۶). از این رو هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) و در میان مرزهای تعریف‌شده سیاسی است (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۷). در واقع، همواره مردم می‌خواهند بخشی از ملت خودشان باشند و بدین‌وسیله شناسایی شوند (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۶۳). هویت ملی عبارت است از بازتولید و باز تفسیر دائمی الگویی از ارزشها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۰). میلر<sup>۱</sup> معتقد است هویت ملی همان منش ملی یا فرهنگ عمومی مشترک است (میلر، ۱۳۸۳: ۲۹-۳۴). علاوه بر آن هویت ملی دارای عناصری است که هم به آن شکل می‌دهند و هم سبب استمرار آن می‌شوند. گرچه هویت در سطوح مختلف آن همیشه با تغییر و سیالیت نیز همراه است.

### ناسیونالیسم

در کنار دو معنا از ناسیونالیسم یعنی ناسیونالیسم فرانسوی (با ماهیت و رویکرد روشنفکرانه مبتنی بر اندیشه ملت) و ناسیونالیسم آلمانی (با ماهیت و سوبه برتری‌جویانه نژادی) (ر.ک: نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۴)؛ نوع دیگری از ناسیونالیسم وجود دارد که عمدتاً حاصل تجربه استعمار در کشورهای مستعمره موسوم به جهان سوم است. در واقع بر اساس این معنا، ناسیونالیسم از خاستگاه و بستر اروپایی خود فاصله می‌گیرد و با استقلال‌طلبی، استعمارستیزی و آرزوی نجات ملی برخی ملت‌های آسیایی و آفریقایی پیوند می‌خورد. از این رو مشخصاً این‌گونه از ناسیونالیسم در تضاد با رویکرد و روحیه استثمار ملل تحت سلطه غرب قرار می‌گیرد. براین اساس، ملی‌گرایی پسا استعماری را می‌بایست به‌نوعی واکنشی است به سلطه فرهنگی - اقتصادی غرب خصوصاً ایالت متحده در بسیاری از کشورهای در حال رشد قلمداد نمود (هی وود، ۱۳۷۹: ۳۱۱-۳۰۷). به نظر می‌رسد این رویکرد در ناسیونالیسم نهایتاً با تولد و تولید مفهوم «هویت سیاسی» متمایزکننده دوست از دشمن شکل واضح‌تری پیدا کرد خصوصاً آنکه جوهره سیاست در این رویکرد بر تعارض و تمایز میان دوست و دشمن و نحوه مدیریت آن تأکید و تصریح می‌نماید (اشمیت، ۱۹۹۶: ۲۶).

1. Miller

### عناصر مَقوم هویت ملی

هویت در واقع معنا و احساس ذهنی است که انسان از طریق از وجود خود و ارتباطی که با اجتماع و محیط دارد کسب می‌کنند، از آنجا که هیچ پدیده‌ای در خلأ شکل نمی‌گیرد شکل‌گیری هویت نیز نیازمند «مکان» است. «هویت مکانی» به‌عنوان بخشی از زیرساخت هویت اجتماعی برآیند شناخت عمومی جامعه از جهان عینی و کالبدی است که در آن زندگی کرده‌اند (کاویانی راد و فتاحی، ۱۳۹۱: ۲۵). شکل‌دهی مکان به هویت انسان دارای سطوح مختلفی است از کوچه و محله و شهر تا سطح ملی و واحد سیاسی بنام کشور گسترش می‌یابد هر یک از این مکان‌ها بخشی از «من» را می‌سازند آنچه روانشناسان به آن هویت می‌گویند (گلرخ، ۱۳۹۱: ۹۸). در سطح ملی و درباره مؤلفه‌های هویت ملی علاوه بر زیست‌بوم در قالب هویت مکانی، عناصر دیگر کلی‌تر از قبیل ملیت، نژاد، ملت و تابعیت، زبان، سنن مشترک فرهنگی، ریشه‌های تاریخی، دین و اقتصاد، معیارهای هویت ملی مطرح شده است (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۳۴). از این‌رو عناصر هویت ملی ایرانی را عبارت از دین اسلام، مذهب شیعه، فرهنگ، زبان فارسی، دولت و نظام سیاسی، ملیت و نژاد خاص، سرزمین ایران و نهاد اقتصاد (گودرزی، ۱۳۸۷: ۱۰۲) است. برخی مؤلفه‌های هویت ملی را دارای سه جنبه، تعلق خاطر مشترک، وفاداری مشترک و میراث مشترک فرهنگی و تاریخی مشترک دانسته‌اند (یوسفی، ۱۳۸۰: ۴۲). موضوع هویت مکانی ارتباط معنی‌داری با نظریه دارالاسلام و لزوم دفاع از آن دارد. دارالاسلام به امت اسلامی هویت می‌دهد. واجب بودن حفظ دارالاسلام و دفاع از آن بر همه مسلمانان مورد اتفاق اجماع فقهای شیعه و سنی بوده است (عمید زنجانی و کرمی، ۱۳۸۹: ۲۷). تقسیم دنیا به دارالاسلام و دارالحرب، یکی از کهن‌ترین تقسیمات سیاسی در فقه سیاسی اسلام است. دارالاسلام جایی است که در آن «احکام اسلامی» اجرا می‌شود و تحت «سلطه» مسلمانان است (جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۴۴-۲۴۵). مخرج مشترک همه تعاریف جدید و قدیم علاوه بر اسلام، نشان‌دهنده اهمیت عنصر «سرزمین» در دارالاسلام است و لزوم دفاع از آن - که یکی از شاخص‌های ملیت - است. از این‌رو هویت ملی که بر شاخصه‌های مشخصی تأکید دارد به نحوی با تعدیل مفاهیم، مورد پذیرش جمهوری اسلامی قرار دارد. از سوی دیگر مفهوم فقهی دارالاسلام نیز بر دفاع از سرزمین دارالاسلام تأکید فراوانی دارد از این‌رو این دو مفهوم ملی و اسلامی در انقلاب اسلامی نقطه تلاقی یافته و به‌کار گرفته شده‌اند.

### چارچوب تئوریک

سامان نظری این نوشتار وفق نظریه ام‌القری صورت‌بندی شده است. هرچند مفهوم ام‌القری برای نخستین بار توسط عبدالرحمن کواکبی در اجلاس سران جهان اسلام، در قالب معرفی شهر مکه به‌عنوان ام‌القری اسلام پیشنهاد داده شد، اما این محمدجواد لاریجانی بود که اولین بار آن را در دهه ۱۳۶۰ و با هدف تبیین خط‌مشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و خصوصاً موقعیت و جایگاه

ایران در جهان اسلام (فیرحی، ۱۳۸۲: ۲۶۰)، به‌طور سامان‌مند و تئوریک وارد دستگاه فکری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کرد. بر اساس این نظریه، جهان اسلام یک امت واحد است و کشوری که بتواند با تشکیل حکومت اسلامی، سطح رهبری خود را از مرزهای سرزمینی‌اش فراتر برد، در موقعیت ام‌القری جهان اسلام قرار می‌گیرد. ویژگی مهم و اصلی ام‌القری در این است که در آن سرزمین نخست حکومت اسلامی مستقر شده است و دوم صلاحیت و رهبری ام‌القری نسبت به کل امت اسلامی است؛ یعنی این رهبری، لیاقت ولایت بر کل امت را دارد (لاریجانی، ۱۳۷۵: ۳۰). بر اساس این نظریه، اگر کشوری ام‌القری جهان اسلام شناخته شود به‌گونه‌ای که ثبات و پایداری آن مساوی با پایداری اسلام و ضعف آن برابر ضعف اسلام و کشورهای اسلامی باشد، به‌صورت طبیعی اگر در مواردی امر دایر شود میان اینکه دولت اسلامی منافع ام‌القری را مدنظر قرار دهد یا مصلحت عموم مسلمانان را دنبال کند، به‌صورت منطقی، منافع ام‌القری بر مصالح اسلامی مقدم می‌شود. بدین ترتیب در حالت تعارض دو مقوله، تکلیف دولت اسلامی روشن می‌شود (زارعی، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

شاید مهم‌ترین علت انتخاب این نظریه برای چارچوب نظری نوشتار پیش‌رو این باشد که می‌تواند جامع دو شأن ایرانی و اسلامیت باشد. در واقع بر اساس راهبرد ام‌القری زمینه ترکیب میان منافع ایرانی و مصالح اسلامی - انقلابی را فراهم کرد و روایت جدیدی از نسبت میان ناسیونالیسم (هویت ملی) و مصالح اسلامی ارائه داد. در واقع، امام خمینی(ره) با تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران حکومتی مبتنی بر ولایت فقیه در دو شأن رهبر ایران و رهبر جهان اسلام بنا نهاد (مسعودی‌فر، ۱۳۸۲: ۱۱۷). به این ترتیب، خصیصه نظریه ام‌القری آن است که می‌تواند مدعی جمع میان منافع ملی و مصالح اسلامی باشد به‌گونه‌ای که در صورت تهدید موجودیت مرکزیت جهان اسلام، وظیفه واجب امت است که یکپارچه به دفاع برخاسته، امنیت آن را تأمین کند. نکته مهم در این میان آن است که حفاظت و صیانت از حیات و بقاء ام‌القری هم ماهیت خارجی، یعنی جغرافیای ارضی آن را شامل می‌شود و هم جوهر معنوی آن را (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۲۰). در این راستا، برخی از سخنان امام(ره) را می‌توان به‌عنوان شاهدهی بر تأیید نظریه ام‌القری مورد استناد قرارداد. برای مثال ایشان در جایی تصریح می‌نمایند که: «الآن چشم‌های همه مردم دنیا به ایران دوخته شده... و اگر شکستی پیش آید خیال نکنید که این شکست برای ایران است بلکه برای همه مستضعفان جهان واقع می‌شود» (صحیفه امام، ج ۱۸: ۴۳).

این اظهارات در واقع رابطه‌ای دوطرفه میان سرنوشت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک دولت - ملت مستقل و جهان اسلام برقرار می‌کند و از این نظر که مصالح ایران را به‌عنوان ابزار و مقدمه‌ای بر تأمین مصالح جهان اسلام مطرح می‌کند به نظریه ام‌القری نزدیک است (فیرحی، ۱۳۸۲: ۲۶۵). با در نظر گرفتن این موضوع، می‌توان مدعی شد که نظریه ام‌القری، می‌تواند به‌عنوان مبنای تئوریک برای ارائه روایتی جدید از هویت ملی و مفهوم ملی‌گرایی متأثر از گفتمان انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گیرد. بر اساس چنین منطقی، انقلاب اسلامی نه‌تنها در روند پیروزی خود از

گزاره‌های هویت‌ملی به معنای وطن‌دوستی ضد بیگانه سود جسته است، بلکه همچنین با وسعت و ظرفیت‌گفتمانی و محتوایی خود، آن جنبه منفی از ناسیونالیسم را حذف یا دست‌کم تعدیل و جنبه مثبت و سازنده آن را در مرکز توجه قرارداد و به مدد آن توانسته است بر برخی بحران‌های ضد حکومت انقلابی ایران اسلامی، از قبیل جنگ تحمیلی، موضوع هسته‌ای و... غلبه کند و فراتر از آن با تکیه بر برخی نمادها و عناصر مقوم ملی‌گرایی ایرانی همچون زبان فارسی، آثار باستانی و... روح همبستگی و انسجام ملی را بر سرزمین ایران اسلامی بدمد. در تحلیل نهایی در چارچوب نظریه ام‌القری، گفته می‌شود بدون تأمین و تضمین بافتار و ساختار امنیتی موفق و پیشروی ایران، نمی‌توان به آرمان‌های اسلامی و تحقق آنان در فراتر از سرزمین اندیشید و لذا راه صدور آرمان‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی از راه صیانت از کیان ایران می‌گذرد.

### جایگاه استبداد و استکبارستیزی در روند صورت‌بندی گفتمان انقلابی

از آنجا که در سیر تاریخی صورت‌بندی گفتمان ناسیونالیسم در روند پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این مفهوم با ضرورت و جریان استبدادستیزی (در سطح داخلی) و استکبارستیزی (در سطح خارجی) پیوند عمیق خورده است، لذا در ادامه ریشه‌های شکل‌گیری جنبه‌های ضداستبدادی و ضداستکباری اجمالاً مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بررسی برخی از مهم‌ترین علل تاریخی ضدیت با استبداد و استکبار بیان خواهد شد.

### ریشه‌های شکل‌گیری کارکرد ضد استبدادی از هویت ملی

ذخیره و انباشت هویت‌خواهی ملی با سوگیری ضد استبدادی را باید به نهضت مشروطه‌خواهی در ایران منتسب دانست که البته بعدها در قالب واکنش به مدرنیزاسیون آمرانه رضاشاه در پهلوی اول و جنبش ملی شدن نفت در پهلوی دوم نیز بازتولید گردید. در این چارچوب، در واکنش به سیاست‌های رژیم در تحمیل اجبارآمیز فرهنگ و ارزش‌های غربی، اشاعه فرهنگ غرب در جامعه به‌عنوان عامل نهایی وضعیت آشفته و عقب‌مانده ایران و تهدیدکننده هویت اجتماعی ایرانیان معرفی می‌گردد (ملکی، ۱۳۳۹: ۱۴). به‌عبارت دیگر، مؤلفه و عنصر اصلی و اساسی خصیصه «ایرانیت» (هویت ملی) یعنی «استقلال» در دوران پهلوی دچار خدشه اساسی گردید چراکه در تقابل با هویت «شیعی-ایران»، هویت‌سازی جدیدی را در دستور کار قرارداد. این رویکرد پهلوی به علت تباین با خواسته‌ها و تمایلات درونی ایرانیان به‌طور طبیعی، استقلال کشور را در معرض تهدید قرار می‌داد (جعفریان، ۱۳۷۹: ۵۱-۵۵). در چنین فضایی است که این تهدید آنتی‌تز خود را تولید کرده و منتهی به شکل‌گیری و تقویت فضایی گفتمانی «بازگشت به خویشتن» و «احیای فرهنگ اصیل بومی (ایرانی)» گردید. به دیگر سخن، یکی از دلایل توفیق رویکرد انقلابی در سال‌های منتهی به وقوع پدیده انقلاب اسلامی در ایران، تجمع خواسته‌های ملی و مذهبی در ذیل و ضل گفتمان تحول‌خواهی و دگراندیشی

رهبران انقلابی خاصه امام خمینی(ره) بود. در واقع، ایرانیت و هویت ایرانی در خدمت اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی علیه استبداد و نفوذ بیگانه به کار بسته شد. در این راستا، قابل فهم است که چرا ثنویت و قطب بندی جدیدی بین «روشنفکران بومی» و روشنفکران «وارداتی» (بیگانه) در کلام منتقدانی چون آل احمد صورت بندی می شود (آل احمد، ۱۳۴۷: ۸۹). و مهم تر از آن قطبیت میان «روشنفکر اصیل» در برابر «روشنفکر مقلد» در زبان روشنفکران دینی از قبیل علی شریعتی (شریعتی، ۱۳۸۳: ۳۸) در خدمت گفتمان بیگانه ستیزانه و غرب ستیزانه روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی(ره) قرار می گیرد. اعتراض مشترک روشنفکران مذهبی و غیرمذهبی ایران با لایحه مصونیت خارجی (آمریکایی‌ها) از تعقیب قانونی (موسوم به کاپیتولاسیون) و مهم تر از آن پیوند خوردن جنبه‌های ضدملی و ضداسلامی آن در کلام امام خمینی(ره)، به عنوان یکی از رهبران مذهبی تأثیرگذار وقت را می توان به عنوان یکی از جنبه‌ها و جلوه‌های جدی جمع پذیری حب ایرانیت و اسلامیت در روند مبارزات انقلابی با رژیم پهلوی و نهایتاً وقوع انقلاب اسلامی در ایران قلمداد کرد. به عنوان نمونه امام خمینی در سخنرانی علنی و معروف خود علیه کاپیتولاسیون و نیز اعلامیه منتشر شده از سخنرانی ایشان، ضمن آنکه بر گزاره‌های وطن پرستانه‌ای چون «استقلال ایران»؛ «مستعمره شدن ایران»؛ «سند بردگی ایران»؛ «اهانت به ارتش محترم ایران»؛ «تحت اسارت آمریکا قرار گرفتن ملت ایران»، تأکید و تصریح می نمایند هم زمان در رد تصویب ننگین بار و ذلت آفرین کاپیتولاسیون، به اصل قرآنی و قاعده فقهی «نفی سیل» بر اساس آیه ۱۴۱ سوره نساء (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً) (۱۴۱) تأکید ویژه می نماید.

### معنایابی دوقطبی ایرانی - بیگانه در چارچوب انقلاب اسلامی

- تقویت حافظه بیگانه ستیزی

از آنجا که هویت ملی دارای ابعاد متعددی شامل هویت تاریخی، فرهنگی و سیاسی است که در هم افزایی باهم هویت ملی را تشکیل می دهند، بررسی بُعد تاریخی هویت ملی، ضرورت می یابد. جنبه تاریخی هویت عبارت است از آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دل بستگی به آن و احساس هویت تاریخی و هم پنداری پیوند دهنده نسل‌های مختلف به یکدیگر که مانع جدا شدن یک نسل از تاریخش می شود (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۱۵). در این راستا، یکی دیگر از مؤلفه‌های هویت ملی که گفتمان انقلاب اسلامی بر آن صحنه گذاشته و تقویت و تثبیت کرده است، پیشینه و حافظه تاریخی منفی ایرانیان نسبت به بیگانگان است. اهمیت حافظه تاریخی از آن روست که خاطرات تاریخی ملت ایران از مقولاتی چون جنگ‌های سرنوشت ساز، تهدیدات و پیشرفت‌های فرهنگ و تمدن خود در طول تاریخ، عمیقاً بر ماهیت، جهت گیری، کیفیت و رفتار سیاست خارجی ایرانیان تأثیر می گذارد.



با به خاطر آوردن محتوای محفوظات این حافظه تاریخی، می‌توان گفت در قرن نوزدهم به‌واسطه ظهور قدرت‌های استعماری اروپایی به‌ویژه روسیه و انگلستان و مداخلات فراگیر این دو قدرت استعماری در ایران، نه‌تنها کشور را از مرکز روابط بین‌الملل به حاشیه‌ای دور راند، بلکه استقلال و حاکمیت ملی و سرانجام تمامیت ارضی آن در جریان پیمان‌های ترکمانچای و گلستان را نیز از بین برد (دهقانی، ۱۳۸۸: ۹۳). با این وصف، این حافظه تاریخی مشحون از گزاره‌های بیگانه‌هراس و بیگانه‌ستیز بوده است؛ چراکه همواره از جانب شمال و جنوب در معرض تاخت و تاز بیگانه‌گان بوده‌اند.

این جهت‌گیری‌ها مشخصاً در روند پیروزی انقلاب اسلامی با سوگیری‌های ضد غربی و ضدآمریکایی در آرمان‌های انقلاب اسلامی پژواک مضاعفی پیدا کرد و ضمن برجسته‌سازی فرهنگ و اندیشه «استکبارستیزی» در چارچوب ایدئولوژی اسلامی - انقلابی، بسیاری از ضعف‌ها و مشکلات کشور و ملت ایران معلول رابطه و تماس با شیاطین غربی خصوصاً «شیطان بزرگ» ترسیم و تصویر شد. چنانکه امام خمینی (ره) در این زمینه تصریح دارند که: «آقا تمام گرفتاری ما از این امریکاست! تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است...» (صحیفه امام (ره)، جلد ۱: ۴۲۲). بدین‌سان، نوع پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، حاکی از پیوند بین شعارهای سیاسی روز و رمزگان‌های فرهنگی و اسطوره‌های دیرپای فرهنگ ملی یعنی نبرد خیر و شر و برابر دانستن دشمن خارجی با دیو و شیطان و شر بود. از این‌رو اصطلاح شیطان بزرگ که در مورد آمریکا به‌کار گرفته شد، به اصلی رجوع داشت که در ذهن و خاطره جمعی ریشه‌دار بود (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۲۲)؛ بنابراین، انقلاب اسلامی خاستگاه‌های ملی ضد استکباری فروخته را تقویت و تثبیت نمود.

#### استقلال خواهی به‌مثابه شعار اصلی انقلاب

تأکید امام (ره) بر مفهوم استقلال و استقلال خواهی به‌عنوان اصلی‌ترین شعار انقلاب اسلامی به نوعی حاکی از آن است ایشان میان ناسیونالیسم به معنای حب وطن (میهن‌دوستی) از ناسیونالیسم غربی با منشأ سرزمینی و نژادی تمایز جدی قائل می‌شود. در این راستا است که می‌توان مدعی شد استقلال «ملی» به‌مثابه یکی از بنیان‌های اسلام و اندیشه اسلامی مطرح می‌گردد: بنیاد دیگر اسلام، اصل استقلال ملی است. قوانین اسلام تصریح دارند که هیچ ملتی و هیچ شخصی حق مداخله در امور کشور ما را ندارد (صحیفه امام، ج ۴: ۲۴۳)؛ بنابراین اگر ملت‌گرایی را به معنای حب وطن نیز در نظر بگیریم و ناسیونالیست را کسی بدانیم که دوستدار وطن و سرزمین خود است و سایرین را انسان و هم‌نوع خود می‌داند؛ در این صورت نیز مورد تأیید امام خمینی (ره) است: «حب وطن، حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور مسئله‌ای است که در آن حرفی نیست» (همان، جلد ۱۳: ۲۰۹). به‌علاوه امام خمینی (ره) با ملی‌گرایی به معنای استقلال طلبی مردم یک سرزمین برای مقابله با قدرت‌های استعماری و مستکبران بیگانه، نیز مخالفت نیست؛ اما ناسیونالیسم غربی که منشأ نژادپرستی دارد و

ثمره‌های جز تضييع حقوق انسان‌ها و دفاع از گروه خاصی را نداشته به شدت از سوی امام خمینی(ره) طرد و نفی شده است.

### پیوند ملت خواهی و استکبارستیزی در فرهنگ سیاسی انقلاب

یکی از کارکردهای اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی پیوندسازی میان ملت، ملیت و هویت ملی با سویه‌های استکبارگریزی و استکبارستیزی است. بر اساس این کارکرد، یکی از خروجی‌های مؤثر تأکید بر هویت ملی، نفی دگری به نام استکبار و میل بیگانه به تسلط بر سرنوشت سیاسی ملت ایران ترسیم و تصویر می‌گردد. البته ریشه چنین پیوندی نظام باورهای است که به عنوان خصیصه‌ها و ارزش‌های مثبت و سازنده ایرانیان به‌طور تاریخی نهادینه شده و بر روندها و رویه‌های سیاست خارجی ایران پسا انقلابی نیز تأثیرگذار بوده‌اند. آرمان خواهی، عدالت‌طلبی، حق‌جویی، ظلم‌ستیزی، شهادت‌طلبی و منجی‌گرایی (دهقانی، ۱۳۸۸: ۸۷) از جمله چنین عناصر ملی مقوم پیوندسازی میان استکبارستیزی انقلابی و ناسیونالیسم ملی است. از طرف دیگر، در سطح تحلیل مذهب نیز می‌توان مدعی شد فلسفه اعتراضی شیعه خود به تقویت و تأیید عناصر ایرانی هویت‌ساز همچون دادگری و ظلم‌ستیزی و نگرش خیر و شرگونه به هستی انجامیده است. خصوصاً اینکه برداشت‌ها و روایت‌های جدیدی از مفاهیم کلیدی و اساسی شیعه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ طرح و بسط گردید که نهایتاً موجبات تقویت رهیافت انقلابی ضد مدل تاریخی سلطنت را در تاریخ ایران معاصر فراهم آورد.

زمینه شکل‌گیری عمل انقلابی و براندازی حکومت سلطنتی را باید در سرکوب نهضت پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ جست‌وجو کرد. در واقع بعد از این ماجرا، مبارزه مسالمت‌آمیز سیاسی در عمل به بن‌بست رسیده و گفتمان‌های موجود نیز جذابیت خود را از دست دادند. در این شرایط، جامعه ایرانی بیش از هر زمان دیگر شیفته انقلاب و مبارزه و تشنه طرح و بسط تفاسیری ایدئولوژیک و انقلابی از اسلام بود که می‌توان آن را اسلام سیاسی شیعی نام گذاشت. در چنین بستری است که اساساً مفصل‌بندی و تثبیت خرده گفتمان‌های اسلام سیاسی فقاهتی و اسلام سیاسی چپ، البته با جهت‌گیری‌ها و اهداف متفاوت، در ذیل و سایه گفتمان اسلام سیاسی، خود مدیون و مرهون تحولات معنایی است تدریجاً و در خلال طرح انگاره‌ها روایت‌های انقلابی از برخی مفاهیم شیعی و دمیدن روح انقلابی بر کالبد دین رخ می‌نمود، به سرعت محبوبیت می‌یافت و نهایتاً پیروان تحول‌خواه بسیاری را به خود جذب کردند. بدین ترتیب اصلی‌ترین کارکرد اندیشه سیاسی شیعه، ارائه قرائتی تحول‌خواهانه، انقلابی و معطوف به عمل انقلابی از مفاهیمی کلیدی نظیر «توحید»، «شهادت»، «انتظار»، «تقیه» و سایر مفاهیم تأثیرگذار بود که چنین قرائتی به‌خودی‌خود به تولد اسلام سیاسی و تحول در تلقی از حکومت و نظم سیاسی حاکم انجامید. از این رو، فهم صحیح رویکرد تفکر سیاسی معاصر شیعه در ایران که منجر به شکل‌گیری درک متفاوت و تازه‌ای در باب مقولاتی چون نسبت دین و سیاست، انتظار فرج، تقیه، جهاد و شهادت گردید، بدون فهم چگونگی چنین روندی میسر

نیست؛ روندی که در پرورش ذهنی و تغییر نگرش مردم به حکومت سلطنتی و لزوم جایگزینی آن با یک حکومت اسلامی کاملاً مؤثر و سازنده بوده است.

## برخی مصادیق نسبت سازنده ملی‌گرایی و انقلابی‌گرایی اسلامی

### تلفیق ملیت اسلامی در جنگ تحمیلی

همان‌گونه که ذکر شد، بر خلاف آنچه در نگاه و تحلیل اولیه به نظر می‌رسد، ناسیونالیسم در معنای ملت و ملیت‌خواهی (وطن‌دوستی) خصوصاً با ابعاد ضداستکباری و ضداستبدادی، نه تنها با انقلابی‌گری اسلامی تضاد پیدا نمی‌کند، بلکه اتفاقاً می‌تواند با یکدیگر همپوشانی و هم‌افزایی نیز داشته باشند. در این راستا، به خدمت گرفتن عناصر ملیت در تقابل با «اشغال سرزمین» در جنگ تحمیلی، خود یکی از مدل‌های موفق در این خصوص به‌شمار می‌رود. بر این اساس گفتمان انقلاب از درون خود مستعد پرورش و عرضه گزاره‌هایی بوده است که بتواند جنگ تحمیلی را با تمسک به داشته‌ها و ذخایر فرهنگ ملی خود مدیریت نماید. در این راستاست که جایگاه مسئله هویت و مشخصاً «هویت ملی» در گفتمان انقلاب و جنگ یک موضوع اساسی به‌شمار می‌رود. هویت ملی شکل یافته در گفتمان انقلاب و جنگ در مسیر تطور خود با چالش‌های سختی برخورد نمود که نتیجه طبیعی جریان سیاست و حکومت در فردای پس از پیروزی انقلاب بود. مرزهای خودی/غیرخودی که در تمیز و تبیین هویت‌های ملی از یکدیگر تعیین‌کننده شدند و با غلظت و شدت بیشتری و با آمیختگی شدید ایدئولوژیک، توجیه‌گر روابط هویتی «ما» با «دیگران» در این زمان هستند. در گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی نقطه اوج خصومت‌های هویتی «دیگران» علیه وضعیت موجود در کشور محسوب می‌گردید و به تعبیری: «دگر ما، صرفاً عراق نبود، ما تمامیت کفر را در مقابل خود می‌دیدیم. جنگ بین دارالاسلام و دارالحرب» (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۲۱) بود. به دیگر سخن، حفظ دارالاسلام در مقابل دارالکفر و یا حفظ دارالقرای اسلامی هدف اصلی در بُعد سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی است. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی نیز حفظ تمامیت ارضی و ملی کشور ایران را از باب تبعیت از اسلام و تفکر اسلامی مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهد: «از باب اینکه تابع اسلام هستیم و قراردادهایی که [با سایر کشورها] منعقد شده است محترم می‌شماریم، هرگز بنای این مطلب را نداریم که حتی به یک وجب ... [از خاک کشوری] تعدی کنیم و حتی یک وجب از زمین خودمان را نخواهیم به دیگران داد» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۸۳). ایشان همچنین در روزهای آغازین جنگ تحمیلی، خطاب به ملت: ایران را «میهن از جان عزیزتر ما» خطاب کرده و می‌فرماید: ... ما برای میهن عزیزمان تا شهادت یکایک سلحشوران ایران‌زمین مبارزه می‌کنیم (صحیفه امام، جلد ۱۳: ۹۸).

به این ترتیب، تعصب بر خاک و وطن ملی تا آنجا که بتواند دافع انگیزه و عمل تهاجم به کشور باشد امری مورد تأیید گفتمان اسلامی و انقلابی است و حتی هویت دینی و انقلابی به منظور حفظ مام میهن به خدمت گرفته می‌شود. در این راستا بوده که از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون اوج پیوند میان هویت اسلامی و هویت سرزمینی در این دوره را می‌توان در مسئله «حفظ نظام» مشاهده کرد. قاعده «حفظ نظام» مبنای رفتاری کشور در تمامی سال‌های دفاع مقدس محسوب می‌گردید. این قاعده، هم تعیین کننده کیفیت هویت ملی کشور بود و هم امنیت فیزیکی و تمامیت ارضی نظام را شامل می‌شد. قاعده حفظ نظام در تئوری «ام‌القری» بسط مفهومی پیدا کرد و بر اساس این تئوری، حفظ «ایران»، به عنوان ام‌القری جهان اسلام در اولویت قرار گرفت (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۵۶).

در این راستا، از یک سو نظام سیاسی خصوصاً امام خمینی (ره) بر بُعد ملی و مردمی جنگ تأکید و تصریح می‌کردند و از سوی دیگر با تأکید بر مؤلفه‌های موجود در مذهب شیعه، همچون «شهادت‌طلبی» و... این خلأ را پر کرد بدین سان، ارزش دفاع ملی به نام هویت ملی در ارزش‌های دینی ترکیب و تلفیق شد. به تعبیر امام (ره) «ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان باور کردیم» (صحیفه امام، جلد ۲۱: ۹۴). چنین تلفیق سنتز گونه‌ای زمینه‌ساز بسیج عمومی و مردمی مردم را تحت لوای دفاع از کشور به گونه‌ای می‌گردد که تمامیت ارضی آن برای اولین بار و پس از دو قرن از تاریخ جنگ‌های معاصر ایران حفظ شد. امری که مدعیان ملی‌گرایی در قبل از آن نتوانسته بودند محقق کنند.

براین اساس، آموزه‌های دینی نه تنها در تقابل با هویت ملی و وطن‌پرستی ضد بیگانه ایرانیان قرار نمی‌گیرد بلکه مسبب ایجاد و تعمیق انگیزش‌های جدید و قوی در شرایط وقوع جنگ به شمار می‌رود. مبنای دینی نظام جمهوری اسلامی از یک سو بر قاعده جهاد تأکید داشت و از سوی دیگر، آن را بر مبنای دفاع ملی می‌پذیرفت و بحث جهاد دفاعی (بارنگ و لعابی ملی‌گرایانه) را طرح و بسط می‌داد؛ و دفاع مقدس به خلق یک جریان جدید و ویژه جدید تاریخی منجر شد که حاصل آن کسب غرور ملی ناشی از افتخارات جنگی در روند این دفاع مقدس گردید (رحمتی، ۱۳۸۸: ۵۱). «آنتونی کردزمن» از فداکاری نیروهای نامنظم ایران به عنوان علت اصلی پیشرفت عملیات جنگی ایرانیان یاد می‌کند. به اعتقاد وی، شهادت‌طلبی با هدایت و پیشرفت جنگ ایران مترادف بود (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۱۷۰).

به طور خلاصه، در تحلیل دفاع امام خمینی (ره) از مفهوم و کارکرد ملیت می‌توان مدعی شد که ایشان این مفهوم را تا جایی می‌پذیرد که در سایه تعالیم اسلام معنا بشود. «ما ملت را و فداکاری در راه میهن را در سایه اسلام می‌پذیریم. ما ملیت را در سایه تعالیم اسلام قبول داریم و ملت، ملت ایران است، برای ملت ایران هم همه جور فداکاری می‌کنیم، اما در سایه اسلام، ... دفاع از ممالک اسلامی جزء واجبات است، لکن نه اینکه ما اسلامش را کنار بگذاریم و بنشینیم فریاد ملیت بزنیم...» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، جلد ۱۰: ۱۲۳-۱۲۴).

بدین سان جنگ تحمیلی بر هر آنچه به جغرافیای ایران از قبیل وسعت، مرزهای طبیعی و... قداست بخشید ایران در اواخر جنگ، «خود را با قانون آهنین سیاست جغرافیایی سازگار نمود» و رهبران ایران را متمایل ساخت که جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی را با عامل جغرافیا و امکانات در راستای طراحی فرمولی برای «انسجام ملی» پیوند بزند (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۲۶). در این راستا، تمرکز بر «سرزمین مسلمانان» و لزوم دفاع از آن به‌عنوان یک واجب کفایی؛ در فقه سیاسی امام خمینی(ره) خود حاکی از ایجاد یک تحول در رویکرد بدبینانه به سرزمین‌گرایی به‌عنوان یک مؤلفه اصلی در ناسیونالیسم غربی و تقدیس و تأویل آن به یک امر دینی - فقهی واجب الدفاع است.

### جنبه‌های ملی مقاومت در موضوع هسته‌ای

به نظر می‌رسد بتوان مقاومت بین‌المللی جمهوری اسلامی در نیل به برخی حقوق هسته‌ای پیش‌بینی شده در ان.پی.تی را از جمله مصادیق دیگر استفاده از ملیت‌خواهی و وطن‌دوستی در خدمت منافع کلان انقلاب اسلامی ارزیابی کرد؛ خصوصاً اینکه بدانیم از یک‌طرف غرور تاریخی ملت ایران به‌عنوان اولین ملت به‌وجود آورنده امپراتوری جهانی (گیرشمن، ۱۳۸۸: ۵) و از طرف دیگر تاریخ شکست‌ها و ناکامی‌های تاریخی در مقابل برخی قدرت‌های استعمارگر که تداعی‌کننده «حس حقارت» برای ایرانیان بوده است، موجب شده تا امنیت هستی‌شناختی آنان در موضوعات مختلف از جمله مواردی مانند فناوری هسته‌ای که با غرور ملی ایرانیان گره‌خورده است، در معرض تهدید قرار بگیرد.

در واقع، جلوه‌های شکست و حقارت تاریخی ناشی از حمله و تهاجمات دشمنان، منجر به تشویش و اضطراب ایرانیان (اعم از دولت و ملت) شده است اثر فوری این مسئله در تقویت سیستم دفاعی ایران تا مرز بازدارندگی می‌شود؛ بنابراین تأکید ایران بر صنایع بومی هسته‌ای صلح‌آمیز، حاکی از یک واکنش دفاعی برای جبران یک حقارت ملی تاریخی از رهگذر تجهیز به فناوری‌های نوین و پیشرفته است. در نظر گرفتن این مسائل (به‌عنوان بخشی از روایت ایرانیان از خود) امنیت هستی‌شناختی به همراه دارد و غفلت از آنها تشویش و اضطراب وجودی به همراه دارد و به شکل‌گیری «هویت شرم» از گذشته تحقیرآمیز خود می‌انجامد (رستمی، ۱۳۹۴: ۱۵۲-۱۵۴). براین اساس، موضوع هسته‌ای تماماً جنبه ملی می‌یابد که مطابق با آن ایرانیان در واکنش به نوستالژی منفی خود از عزت و اقتدار ملی از دست‌رفته خود در طول تاریخ، می‌کوشند با تکیه بر شکوه و عظمت فرهنگ و تمدن خود به جبران فقدان برتری و عزت ملی اهتمام بورزند.

از طرفی، این عزت‌خواهی ملی که به‌نوعی تداعی بخش هویت طلبی ملی نیز هست، با هویت دینی و اسلامی و خصوصاً هویت اسلام انقلابی در چارچوب گفتمان انقلابی معنا و مفهوم می‌یابد. در واقع اصولی مانند پیوند وثیق دین و سیاست و قاعده نفی سبیل (اصل منتهی به عزت طلبی در رفتار خارجی)، هویت مقاومت، عدالت‌طلبی و... به خلق ذهنیت خود ایرانیان منجر می‌شود و نهایتاً زمینه

ساخت‌یابی «خود» اسلامی آنان را فراهم می‌سازد (نخعی، ۱۳۷۶: ۲۸۱). رهبر انقلاب عدم وابستگی ایران به قدرت‌های سلطه‌گر را علت استمرار مناقشه‌ها می‌داند: ملتی که زیر فرمان آنها نباشد، بر طبق میل آنها عمل نکند...، مغضوب آنها است. حکومت‌ها و دولت‌ها هم اگر در مقابل آنها مطیع و سرب‌راه بودند، برایشان مقبول‌اند؛ نه دموکراسی برای آنها اهمیت دارد، نه حقوق بشر اهمیت دارد، نه هسته‌ای اهمیت دارد. مسئله این است که جمهوری اسلامی روی پای خود ایستاده است... با اعتماد به خدای متعال ایستاده است و درجات مختلف دارد پیشرفت می‌کند؛ این را اینها نمی‌پسندند... (مقام معظم رهبری، سخنرانی، ۱۳۹۲/۴/۵)؛ بنابراین در مناقشه هسته‌ای، بر مبنای قاعده نفی سبیل، تلاش برای استقلال، خودکفایی و قطع وابستگی به بیگانه و تقویت ام‌القری ضرورت می‌یابد. وظیفه دولت اسلامی تلاش در مسیر تحقق عینی این امر است.

### زبان فارسی در خدمت ارزش‌های انقلابی

از منظر زبان‌شناسی انتقادی می‌توان مدعی شد که زبان صرفاً وسیله انتقال پیام و معانی خنثی نیست بلکه حتماً در یک زمینه و بستر اجتماعی سیاسی متولد می‌شود و هم‌زمان برخی گزاره‌های اجتماعی - سیاسی را انتقال می‌دهد. این رهیافت که از آن به رهیافت برساخت‌گرا<sup>۱</sup> در تحلیل نحوه بازنمایی زبان یاد می‌شود، معتقد است که «این جهان مادی نیست که حاوی و ناقل معناست بلکه این سیستم زبان است که ما برای ارائه مفاهیم خود استفاده می‌کنیم. این بازیگران زبانی هستند که از چارچوب‌های مفهومی و فرهنگ و سایر نظام‌های زبان و بازنمایی دیگر جهت ساخت معنا استفاده می‌کنند تا بدین‌وسیله جهان را معنادار سازند» (Hall, 2003: 24). بدین ترتیب، نقش زبان در بازنمایی و حتی ایجاد واقعیت اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی هویدا می‌شود.

در این راستا، زبان فارسی نیز به‌مثابه ابزاری است که نمی‌تواند فارغ و تهی از جهت‌گیری‌های ارزشی و ایدئولوژیک باشد. لذا مفاهیمی مانند «زبان / ادبیات انقلاب»، «زبان / ادبیات مقاومت» دارای بار معنایی و مرتبط با گفتمان انقلاب اسلامی می‌گردند. بر این اساس، رخداد انقلاب اسلامی ایران، در آموزش زبان فارسی و کتاب‌های درسی آن تغییراتی چشمگیر و مفید ایجاد کرد و به گسترش و بارور کردن زبان فارسی - به‌عنوان یکی از عناصر مهم ملیت - توجهی خاص مبذول گردید. بعد از انقلاب اسلامی، همه سازمان‌های مسئول و از جمله «وزارت آموزش و پرورش، به زبان فارسی، به‌منزله گنجینه‌ای پرارح و منزلت و به‌عنوان مهم‌ترین مظهر فرهنگ و تمدن اسلامی نگریسته و پاسداری از این زبان و تلاش برای حفظ و اشاعه آن را از وظایف خود شمردند» (مجله سروش، شماره ۷۷۰: ۱۲). بر این اساس و از آنجا که ترویج زبان فارسی در سطح برون مرزی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار در کنار سایر ابزارهای صدور فرهنگ ایران انقلابی و اسلام مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

در این راستا توسعه مدارس ایرانیان مقیم خارج و افزایش تعداد آنها به چند برابر قبل از انقلاب و نیز اعزام کارشناسان زبان فارسی برای تعلیم آن در جهت توسعه زبان فارسی در خارج کشور به وسیله اداره کل امور بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش و توزیع کتاب‌های درسی فارسی دوره‌های ابتدایی و راهنمایی میان خانه‌های فرهنگ ایران در کشورهایی که جمهوری اسلامی ایران دارای رایزن فرهنگی است؛ تألیف کتاب فارسی برای دانش‌آموزان مدارس تاجیکستان به نام الفبای نیاکان و ارسال افزون بر چهارصد هزار نسخه از این کتاب به آن کشور و استمرار این حرکت سازنده تا امروز، تألیف کتاب هفت‌جلدی فارسی برای مدارس ابتدایی ارمنستان و نهایتاً تعلیم خواندن و نوشتن فارسی به بیش از ۷۰۰ هزار دانش‌آموز آواره افغانی و ۲۲۵۰۰۰ آواره عراقی در ایران (رزمجو، ۱۳۷۵ الف: ۱۹) از فعالیت‌هایی است که در گسترش زبان فارسی مؤثر است. علاوه بر آن پیوند ملیت و مذهب را در گردشگری مذهبی و زیارتی می‌توان عیناً مشاهده نمود. امروز بر اثر سفر پر تعداد مسلمانان جهان به شهر مقدس مشهد و متقابلاً سفر ایرانیان به شهرهای زیارتی عراق موجب رونق زبان فارسی شده است. در شهرهای زیارتی عراق کمتر کسی را می‌توان یافت که زبان فارسی را به دلیل حضور زائرین ایرانی فرانگرفته باشد. در کنار گردشگری دینی مبادله دانشجو و استاد بین مراکز علمی ایران با جهان خارج یکی دیگر از مسیرهای تقویت و گسترش زبان فارسی بوده است. طبق آخرین آمار حدود ۱۹ هزار و ۸۰۰ دانشجوی خارجی در کشور ایران تحصیل می‌کنند. از این میان سه هزار و ۱۲۰ نفر با هزینه شخصی در ایران تحصیل می‌کنند که سیاست وزارت علوم تقویت این بخش است، زیرا علاوه بر درآمدزایی نشان‌دهنده توانمندی کشور است. حدود ۱۱ هزار دانشجو نیز از طریق کنکور جذب دانشگاه‌های ایران و اشخاصی هستند که دارای مجوز لازم برای حضور در ایران بودند (ر.ک. خبرگزاری دانشجو به آدرس: [www.snn.ir](http://www.snn.ir)) در کنار و به موازات فعالیت‌های مذکور، نظر به علاقه و توجهی که مسئولان کشور مخصوصاً مقام معظم رهبری به زبان فارسی و قوام بخشی آن دارند، چنانکه آن را «نعمت الهی... زبان انقلاب، دین و اسلام انقلابی و مطلوب و محبوب ملت‌ها» می‌دانند و بر این باورند که: «زبان ملی، مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخص هویت فرهنگی یک ملت است و هر چه بر ذهنیت این ملت حاکم باشد، هر مذهبی، هر ایدئولوژی، هر آداب و سنتی و هر گذشته و تاریخی که داشته باشند، تجسم و تبلورش در زبان ملی است» رهبر معظم انقلاب، سخنرانی در نخستین سمینار زبان فارسی ایشان همواره بر حفظ و گسترش زبان فارسی اهتمام خاصی دارند در این زمینه می‌فرمایند: «یک‌زبان کامل و به این خوبی در اختیار ماست و بهترین مفاهیم و دقیق‌ترین آنها را می‌توان در این زبان گنجاند. ما باید قدر این زبان را بسیار بدانیم. یک نعمت الهی است در اختیار ما» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۷: ۶) آیت‌الله خامنه‌ای زبان فارسی را پیام‌رسان فرهنگ اسلامی می‌داند و معتقدند که گسترش اسلام در شرق عالم، از شبه‌قاره گرفته تا چین، با زبان فارسی بوده است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۹/۱۹) ایشان همچنین انقلاب اسلامی و پیام جهان امام خمینی(ره) را عاملی برای فراگیری زبان فارسی می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۹/۱۹) که خود یکی از

عناصر مهم ملیت است به عبارت دیگر گسترش انقلاب اسلامی در اینجا به عنوان عامل گسترش زبان فارسی و مقوم ملیت ایرانی ظاهر شده است. در تحلیل نهایی، کارگزاران اصلی گفتمان انقلابی ایران، خصوصاً رهبر انقلابی این گفتمان، آیت‌الله خامنه‌ای، زبان را منبع قدرت ملی و قدرت فرهنگی جمهوری اسلامی در زمانه و زمینه‌ای می‌دانند که سلطه زبانی یکی از ابزارهای مسخ فرهنگ‌های بومی و ملی توسط امپریالیست‌های فرهنگی و سلطه‌طلبان فرهنگی است.

به این ترتیب، از آنجا که هویت و موجودیت یک جامعه را فرهنگ آن شکل می‌دهد؛ و هر فرهنگی از یک سلسله عناصر گوناگون تشکیل شده که زبان یکی از مهم‌ترین آنها است، جامعه‌ای که فاقد یک زبان مستقل باشد، از داشتن پیشینه، فرهنگ و تاریخ مستقل نیز محروم است. در این میان، زبان فارسی با ادبیات غنی چند هزارساله خود، ابزار کارآمدی برای دستیابی به بسیاری از گنجینه‌های فرهنگی اخلاقی و تاریخی جهان است. توجه عملی و نظری که در فضای پس از انقلاب به زبان فارسی به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر ملیت مبذول شده است به مراتب بیشتر و اساسی‌تر از دوران پهلوی است که بر ایران‌گرایی تأکید داشتند. بر اساس اصل ۱۵ قانون اساسی زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد. سند مؤلفه‌های هویت ایرانیان می‌گوید: خانه وجود ما ایرانیان با این زبان بنا شده است و از همین روست که باید توجه کنیم هر چه این زبان پویاتر و با نشاط‌تر باشد، استقلال و نشاط ما بیشتر است و اگر ضعف و فتور به آن راه یابد پیوستگی ملی را سست می‌کند که به این جهت باید در پاسداری از زبان و زنده نگاه‌داشتنش اهتمام کرد (<http://pcci.ir>).

## هویت ملی در اسناد بالادستی

### سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان

سند هویت ملی ایرانیان، ضمن تعریف هویت، از قول رهبر انقلاب اسلامی آورده است: «هویت ملی هم که می‌گوییم، ملیت در مقابل دین نیست؛ بلکه هویت ملی هر ملت، مجموعه فرهنگ‌ها و باورها و خواست‌ها و آرزوها و رفتارهای اوست...» این سند، عناصر و جوهره هویت ملی ایرانیان را در هفت بند توضیح داده است. در بند نخست، روح معنویت، تعبد و توحید را که در ایران سابقه‌ای به درازای تاریخ این سرزمین دارد. یکی از مؤلفه‌های مهم هویت ایرانی می‌داند. در بند دوم و سوم اسلام و به تبع آن ولایت مداری را از عناصر هویت ملی می‌داند. در بند چهارم با تأکید بر سرزمین ایران به عنوان عنصر مهم مؤلفه هویت ملی می‌نویسد: این سرزمین، معنایی فرهنگی و انسانی و نه جغرافیایی و مرزی است و مفهومی بسیار عمیق‌تر از مفهوم دولت-ملت مدرن را تداعی می‌کند. در بند پنجم بر زبان و خط پارسی به عنوان دومین زبان اسلام که حامل فرهنگ و معارف اسلامی ایرانیان در طول تاریخ و زمینه‌سازی برای تعالیم مقدس اسلام و تشیع بوده و هست. پرداخته شده و



در بند ششم تمدن و تاریخ ایران و سرانجام در بند هفتم مهدویت و فرهنگ انتظار و رسالت تاریخی ایرانیان نسبت به آن را عنصر مهم هویت دانسته است (سند هویت، ۱۳۸۶: بندهای هفت‌گانه).

### قانون اساسی جمهوری اسلامی

تأکید بر هویت ملی و تلفیق آن با ارزش‌های دینی و ارائه چهره جدیدی از ملی‌گرایی در برخی اصول قانون اساسی نیز متبلور شده است. به‌عنوان نمونه در اصل سوم قانون اساسی به‌طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب، تقویت کامل بنیه دفاع ملی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم، تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان، تأکید شده است. قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده که است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد (اصل ۱۱) که وجهی از نظریه ام‌القری است. بر برابری قومی مردم ایران از هر قوم و قبیله (اصل ۱۹) نشانگر توجه به وحدت ملی و استقلال است و نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور موظف‌اند بر حفظ آن سوگند یاد کنند (اصل ۶۷ و ۱۲۱) اهمیت سرزمین در قانون اساسی به حدی است که هرگونه تغییر جزئی در خطوط مرزی مشروط به تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی کرده است (اصل ۷۸) قانون اساسی درباره تعامل بین‌المللی نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، در کنار دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گر و نفی هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش باشد تأکید دارد است (اصل ۱۵۲ و ۱۵۳) که نشانگر تأیید سخن این نوشتار است.

### سند چشم‌انداز ۲۰ ساله

عناصر هویت ملی ایرانی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی بسیار پررنگ است. این سند در افق بیست‌ساله، ایران را کشوری توسعه‌یافته بر اساس ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، می‌داند. سند چشم‌انداز، در بستر سرزمین ایران، بر امنیت ملی، هویت ملی، وحدت ملی با مردمی فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن و مفتخر به ایرانی بودن تأکید دارد. به‌تبع آن سیاست‌های کلی ۵ ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران، نیز بر بُعد ملیت ایران در کنار ارزش‌های اسلامی تأکید فراوان دارند. تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و آگاهی کافی درباره تاریخ، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی - اسلامی و اهتمام جدی به زبان فارسی تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان ([www.dolat.ir](http://www.dolat.ir)) مواردی است که در سند چشم‌انداز و برنامه‌های پنج‌ساله به چشم می‌خورد.

## نتیجه‌گیری

تأثیر انقلاب اسلامی محدود و محصور به ایجاد تحولات در حوزه‌های اجتماعی - فرهنگی و سیاسی و بین‌المللی نبوده بلکه موجبات ارائه تعابیر و تفاسیر جدیدی از مفاهیم متعددی خصوصاً مفاهیم ذاتاً چالش‌برانگیز و دارای زاویه باروخ و اصل انقلاب را فراهم می‌آورد. یکی از مفاهیم جدی و قابل بحث که نسبت آن با انقلاب اسلامی و تأثیرگذاری و خصوصاً تأثیرپذیری آن از آموزه‌های انقلاب، می‌تواند محل مباحث بسیاری باشد، مقوله ملی‌گرایی یا هویت ملی (ایرانیت/ ناسیونالیسم ایرانی) است. هویت‌گرایی ملی تحت عنوان ناسیونالیسم یک ایدئولوژی برآمده از فلسفه جدید غربی و جریان مدرنیته در غرب به شمار می‌رود که نباید و نمی‌توان مدعی شد که در دستگاه معنایی انقلاب اسلامی، هیچ تغییر و تحول یا به تعبیر دقیق‌تر، تبدیلی در آن صورت نپذیرفته است. به عبارت روشن‌تر، مفهوم ناسیونالیسم یا هویت ملی در نظم و نظام معنا ساز و معنا پرور جمهوری اسلامی ایران مانند بسیاری از پدیده‌های مدرن دیگر مانند دیپلماسی، قدرت سخت و قدرت نرم، بانکداری و... دچار برخی دگردیسی‌های کارکردی و معنایی شده و در واقع، از پوسته و حصار تعصبات ملی‌گرایانه و نژادپرستانه یا قوم‌مدارانه خارج شده و با هویت مقاومت ملی در قبال استبداد (در سطح سیاست داخلی) و استکبار (در سطح سیاست بین‌المللی) پیوندی بس وثیق یافته و بافته است.

برخلاف برداشت‌های رایج، معنای تنقیح یافته از هویت ملی و ناسیونالیسم ایرانی در روایت انقلابی و انقلابیون، نه تنها دیگر در تقابل با روح و کلیت اسلام و انقلاب اسلامی و گفتمان حاکم بر آن قرار نمی‌گیرد بلکه از قضا کاملاً در خدمت هویت مقاومت ایران و ایرانی در بُعد داخلی (در تقابل با استبداد و در جریان پیروزی انقلاب اسلامی) و سطح بین‌المللی و جهانی (در تقابل با استکبار و استعمار جهانی) معنا و مفهوم می‌یابد. در چنین فضایی است که تز ام‌القری که ایده آن در اواسط جنگ تحمیلی توسط محمدجواد لاریجانی، به عنوان یکی از ایدئولوگ‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی مطرح شد، از قابلیت جذب و هضم هویت ملی ایرانی در ذیل هویت امت محورانه انقلابی - اسلامی برخوردار است. در واقع، تز ام‌القری زمینه ارائه قرائت جدید انقلاب اسلامی از ایرانیت و هویت ایرانی را به گونه‌ای فراهم می‌آورد که طبق آن لزوم تقویت ایرانیت و هویت ملی ایرانی و ایرانیان به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در مسیر تحقق اهداف انقلابی - اسلامی خصوصاً در سطح بین‌المللی بدل می‌گردد.

به طور خلاصه، بر اساس مطالعات صورت گرفته درباره نسبت ملی‌گرایی با آموزه‌های انقلاب اسلامی، تقابل و قطب‌بندی ترسیم شده بین ملی‌گرایی و آموزه‌های انقلاب اسلامی رد می‌شود. بر اساس چنین ملاکی است که گفتمان اصیل انقلاب اسلامی از قطب‌بندی‌های مرسوم و معمول میان این مفهوم هویت ملی (ناسیونالیسم ایرانی) فراتر می‌رود به گونه‌ای که می‌توان مدعی شد در تحلیل نهایی آموزه‌های انقلاب اسلامی و اندیشه امام(ره) بدون آنکه تضادی اجتناب‌ناپذیر با ملی‌گرایی داشته باشند، تنها با ابعادی از ناسیونالیسم مواجهه و ضدیت می‌یابد که منتهی به احساسات منفی

ناسیونالیستی مشابه ناسیونالیسم افراطی، توسعه طلب، توتالیتزر گردد و گرنه در صورتی که ملی‌گرایی جنبه ضد استعماری و آزادیخواهی به خود بگیرد و در مسیر مصالح امت اسلامی به کار بسته شود، نه تنها در عصر انقلاب اسلامی، مذموم و مطرود نیست، بلکه با قرائت جدید و تحولی که در آن ایجاد می‌کند، کاملاً در خدمت آرمان و هویت مقاومت اسلامی قرار گرفته و مورد تأیید نیز هست.

## منابع

- ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۷)، «مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی». فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۴.
- تابان محسن و دیگران (۱۳۹۱)، «هویت و مکان رویکردی پدیدارشناسانه»، مجله هویت شهر، شماره دهم بهار و تابستان.
- جعفریان رسول (۱۳۹۱)، «نظریه دارالحرب- دارالاسلام و تعریف کفر در فقه حنفی تأثیر و تأثر آن از رویدادهای خراسان و تأثیر و تأثر در قرن دهم هجری»، پیام بهارستان، دوره ۲، سری ۴، شماره ۱۵.
- خمینی، (امام) سید روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام(ره)، جلد ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴.
- شمین گلرخ (۱۳۹۱)، «مکان و هویت شخصی: شکل نقش محیط کالبدی در شکل‌گیری «حس خود»»، نشریه شهر و معماری بومی، شماره ۳.
- شورای فرهنگ عمومی کشور (۱۳۸۶)، سند مؤلفه‌های هویت ملی.
- عمید زنجانی، عباسعلی و کرمی، حامد (۱۳۸۹)، «ماهیت سرزمین در فقه امامیه»، مجله حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۸.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱)، «اختیارات ولی‌فقیه در خارج از مرزها»، نشریه حکومت اسلامی، سال اول، شماره ۱: ۸۴.
- میر غلامی، مرتضی و آیشم، معصومه (۱۳۹۵)، «مدل مفهومی ارزیابی حس مکان بر اساس مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی، عملکردی و اجتماعی»، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۱۹.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۸)، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل (از پیمان وستفالی تا امروز)، تهران: قومس.
- ابوالحسنی، علی (۱۳۸۰)، کارنامه شیخ فضل‌الله نوری، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، بخش اول، تهران: عبرت.
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۶)، «هویت و قومیت در ایران»، مجموعه مقالات هویت در ایران، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، پژوهشگاه علوم انسانی و جهاد دانشگاهی: ۱۶۵-۱۸۷.

- احمدی، حمید (۱۳۸۶)، *هویت، ملت و قومیت*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- اردستانی، حسین (۱۳۷۳)، «برخی از ارزش‌ها و ثمرات جنگ تحمیلی» در مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳)، *ناسیونالیسم* (نظریه، ایدئولوژی، تاریخ)، ترجمه: منصور انصاری. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- باهنر، محمدجواد (۱۳۷۱)، *مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۷۹)، «صراط، ضابطه هویت در اندیشه امام خمینی»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۵: ۱۳۵-۱۵۸.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نشر نی، چاپ هشتم.
- بهشتی، محمدحسین (بی‌تا)، *سخنرانی‌های شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی*، بی‌جا.
- پیرنیا، حسن؛ آشتیانی، عباس اقبال (۱۳۸۸)، *تاریخ کامل ایران*، قبل از اسلام، بعد از اسلام، تهران: نشر جمهوری.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، «انتظام در پراکندگی؛ بحثی در امنیت ملی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش‌شماره دوم.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، *میزگرد سیر تحول تاریخی هویت ملی در ایران از اسلام تا امروز*، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵.
- جلالی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی*، تهران: طرح نو.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۸)، «میزگرد وفاق اجتماعی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، ش ۱.
- حاجبانی، ابراهیم (۱۳۷۹-الف)، «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، ش ۵: ۱۹۳-۲۲۸.
- حاجبانی، ابراهیم (پاییز ۱۳۷۹-ب)، «مسئله هویت ملی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵.
- خامنه‌ای، سید علی (رهبر انقلاب) (۱۳۷۴)، «سخنرانی در نخستین سمینار زبان فارسی در صداوسیما»، مجله سروش، شماره ۷۷۰ (سال هفدهم).
- خامنه‌ای، سید علی (خرداد و تیر ۱۳۶۷)، «عظمت زبان فارسی و لزوم حراست آن»، نشر دانش: ۵-۸.
- خمینی، امام (سید روح‌الله) (۱۳۷۰)، *صحیفه نور*، جلد ۱، ۱۰، ۱۳، ۲۱، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول: تهران، سمت.
- ذاکر اصفهانی، علیرضا (۱۳۸۱)، «ناسیونالیسم رمانتیک در ایران»، در مؤلفه‌های هویت ملی در ایران، تهران: دفتر نشر معارف، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: ۱۱۹-۱۴۷.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸)، *ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم: پژوهشی درباره امپریالیسم*، تهران: انتشارات پازنگ.

- ربانی، علی و دیگران (۱۳۸۸)، «رسانه‌های جمعی و هویت ملی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال شانزدهم، ش ۵۸: ۶۵-۹۳.
- رحمتی، مهدی (بهار ۱۳۸۸)، «جنگ تحمیلی و هویت ملی»، نگین ایران، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس، سال هفتم، شماره ۲۸: ۴۱-۵۶.
- رزمجو، حسین (۱۳۷۵)، *طلوعی در غروب*، تهران: آوای نور.
- رزمجو، حسین (پاییز ۱۳۷۵)، «انقلاب اسلامی ایران و زبان فارسی: فعالیت‌هایی که پس از انقلاب اسلامی ایران برای گسترش زبان و ادب فارسی در ایران انجام یافته است»، نامه پارسی، شماره ۲.
- رزمجو، حسین (دی ۱۳۶۲)، «گرفتاری‌های منطقه آسیا و اقیانوسیه و نقش یونسکو در رفع آنها»، پیام یونسکو، شماره ۱۶۴، سال پانزدهم.
- رستمی، فرزاد؛ غلامی حسن‌آبادی، مسلم (بهار ۱۳۹۴)، «امنیت هستی‌شناختی و استمرار مناقشه هسته‌ای ایران و غرب»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره اول: ۱۳۵-۱۶۶.
- زارعی، بهادر (پاییز ۱۳۹۰)، «تحلیل تئوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام»، فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، شماره ۳، دوره ۴۱: ۱۵۳-۱۶۹.
- شیخاوندی، داود (۱۳۷۹)، *تکوین و تنفیذ هویت ایرانی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- صنیع اجلال، مریم (۱۳۸۴)، *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۸۴)، *امام خمینی و هویت ملی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳)، *قبیله عالم*، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- فیرحی، داود (۱۳۸۲)، *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، چاپ اول، تهران: سمت.
- کاویانی‌راد، مراد و فتاحی، مصطفی (۱۳۹۱)، «تأثیر هویت مکانی بر همگرایی ملی»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۶ شماره (۱).
- گازیوروسکی، مارک، جی (۱۳۷۱)، *سیاست خارجی آمریکا و شاه، بنای دولتی دست‌نشانده*، ترجمه فریدون فاطمی، نشر مرکز.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۷)، *تکوین جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران با تأکید بر دوره صفویه*، تهران: تمدن ایرانی.
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۸)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: نشر معین.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹)، *مقولاتی در استراتژی ملی*، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۵)، «حکومت اسلامی و مرزهای سیاسی»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره دوم.
- مجتهدی، کریم (۱۳۷۹)، *آشنایی ایرانیان با فلسفه‌های جدید غرب*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- محسنی، رضا علی (۱۳۸۸)، «گردشگری پایدار در ایران: کارکردها، چالش‌ها و راهکارها»، فضای جغرافیایی، سال ۹، شماره ۲۸.

- مسعودی فر، جلیل (۱۳۸۲)، «حفظ فرهنگ ایرانی - اسلامی در فرایند جهانی شدن»، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن و دین، قم.
- ملک، جان (۱۳۷۹)، *تاریخ کامل ایران*، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: نشر افسون.
- میلر، دیوید (۱۳۸۳)، *ملیت*، ترجمه: داوود غراباق زندی، تهران: تمدن ایرانی.
- نجفی، محمدعلی (۱۳۷۴)، وزیر وقت آموزش و پرورش (مصاحبه) مجله سروش، شماره ۷۷۰، سال هفدهم.
- نجفی، موسی (۱۳۸۵)، *تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- نخعی، هادی (۱۳۷۶)، *توافق و تراحم منافع ملی و مصالح اسلامی: بررسی تطبیقی سیاست خارجی دولت ملی و اسلامی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نظر آهاری، رضا (۱۳۷۵)، «نقش و اهمیت سیاسی اسلام در روابط بین‌الملل»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱۱۳ و ۱۱۴.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱)، *تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ولی‌پور رزومی، سیدحسین (۱۳۸۳)، *گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هی وود، اندرو (۱۳۷۹)، *درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰)، «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، ش ۸: ۱۳-۴۲.

- <http://fa.irunesco.org>
- <http://pcci.ir>
- <http://whc.unesco.org>
- <http://www.irdc.ir/fa/content/4800/default.aspx>
- Schmitt, Carl (1996). *The Concept of the Politics*, Chicago: University of Chicago Press.
- Stuart Hall, "The Work Representation", in Stuart Hall (Eds), *Representation: Cultural Representation and Signifying Practices*, London: Sage Publications.
- [www.dolat.ir](http://www.dolat.ir)
- [www.snn.ir](http://www.snn.ir)